

## نقد و بررسی جهانی‌شدن و تنوع فرهنگی

حمید سجادی\*

### چکیده

جهانی‌شدن با توسعه ارتباطات جمعی در گستره جهانی همراه است. درخصوص میزان و نوع تأثیراتی که جهانی‌شدن و ارتباطات جهان‌وطنی، در تحولات فرهنگی داشته، نظریه‌های گوناگونی وجود دارد که از جمله مهمترین آنها نظریه همگرایی فرهنگی و نظریه قطبی‌شدن فرهنگی است. از جمله مهمترین چالش‌های اصلی در این حوزه مسئله رابطه تنوع فرهنگی با جهانی‌شدن است. در این راستا نوریس و اینگلهارت در پژوهشی این رابطه را در ۹۵ کشور و با شاخص‌هایی همچون؛ میزان استفاده از رسانه‌های خبری، ارزشها و نگرش فرهنگی به آزمون گذارده‌اند. براساس نتایج این تحقیق، جهانی‌شدن، تنها در مناطقی که به میزان زیادی در معرض ارتباطات جمعی جهانی قرار دارند، وجهی همگراییانه داشته و بخش عمده جهان به‌واسطه آنچه دیوارهای آتش می‌نامند، به‌میزان اندکی از ارتباطات جمعی جهانی بهره می‌گیرند. سخن اینکه با وجود گسترش جهانی‌شدن، هسته اصلی فرهنگ‌های ملی در جهان همچنان پا برجا مانده است. کتاب مذکور با عنوان جهانی‌شدن و تنوع فرهنگی توسط عبدالله فاضلی و ساجده علامه ترجمه شده است. معرفی و نقد شکلی و محتوایی این اثر، موضوع مقاله پیش رو است، علاوه بر این که ارزیابی ترجمه کتاب مذکور نیز از نظر دور نمی‌ماند.

**کلیدواژه‌ها:** جهانی‌شدن، تنوع فرهنگی، جهان‌وطنی، ارتباطات جمعی، واگرایی.

---

\* استادیار و عضو هیئت علمی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، تهران، ایران، H.Sajadi@ihcs.ac.ir  
تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۱۱/۳۰، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۰۵/۲۶

## ۱. مقدمه

همبستگی میان اقتصاد و فرهنگ جوامع در اواخر قرن نوزدهم و اوایل قرن بیستم، رشد بسیار سریعی پیدا کرد (مارتین، ۲۰۰۱). این فرایند در اواخر قرن بیستم و در پرتو تحولات سال ۱۹۸۹ و آزادسازی پس از آن موجب شد تا بسیاری از نقاط جهان، گسترش قابل توجهی از همبستگی جهانی را تجربه کنند. جهانی شدن، مجموعه‌ای پیچیده از نیروها و عوامل را فراهم ساخته که مردم، فرهنگ‌ها، بازارها، باورها و شیوه‌ها را در نزدیکی و ارتباط بیشتر با یکدیگر قرار داد. در پیشبرد این مهم، تحولات فناوری بویژه در حوزه اینترنت و رسانه‌های مجازی در برقراری ارتباط بین مردم در سراسر جهان بسیار تاثیرگذار بوده است. از ۲۰۱۲، حدود ۲٫۴ میلیارد نفر - بیش از یک سوم جمعیت انسانی جهان - از خدمات اینترنت استفاده کرده‌اند (گزارش آمار جهانی اینترنت، ۲۰۱۲). با این حال رشد جهانی شدن هرگز هموار، یکنواخت و مستمر نبوده است. یکی از رویدادهای تاثیرگذار، رکود اقتصادی در اواخر سال ۲۰۰۰ بود که با رشد کمتر (در زمینه‌هایی مانند تماس‌های تلفنی بین‌المللی و استفاده از اسکایپ) یا حتی رشد موقت منفی (در زمینه‌هایی مانند تجارت) همراه بود (فایولا، ۲۰۰۹). همچنین ادغام جهانی تقریباً یک دهه پس از سال ۲۰۰۸ کاهش یافته است، اما تا سال ۲۰۱۳ به مراتب بالاتر از اوج پیش از رکود بوده است (آلتمن و جموات، ۲۰۱۴).

سخن اینکه با پیشرفت فناوری و گسترش امکانات مخابراتی و سهولت جابه‌جایی در پرتو تجهیزات مدرن، ارتباط مردم کشورهای دنیا با یکدیگر روز به روز بیشتر شده است. در پرتو این امر فضایی فراهم شده که جوامع و افراد در ارتباط مستقیم با پیامدهای فعالیت‌های یکدیگر قرار گرفته‌اند. به گفته کاستلز (۱۳۸۰) برای آن دسته از کنشگران اجتماعی که از فردی شدن هویت ناشی از زندگی در شبکه‌های جهانی قدرت و ثروت طرد شده‌اند یا در برابر آن مقاومت می‌کنند، اصلی‌ترین جایگزین برساختن معنا، جماعت‌های فرهنگی استوار بر بنیادهای دینی، ملی یا منطقه‌ای است. شکل‌گیری این جماعت‌های فرهنگی بر مبنای مواد خام برگرفته از تاریخ، جغرافیا، زبان و محیط علمی می‌شود. با این مقدمه در ادامه به تبیین رابطه جهانی شدن و تنوع فرهنگی در کتاب نوریس و اینگلهارت پرداخته می‌شود.

## ۲. طرح مسئله؛ تبیین رابطه جهانی‌شدن و تنوع فرهنگی

روایت‌های مختلفی از مفهوم جهانی‌شدن در ارتباط با مقوله فرهنگ و تنوع فرهنگی وجود دارد. از بعد فرهنگی، جهانی‌شدن بیشتر بر ناظر بر فشردگی زمان و مکان و پیدایش شرایط جدید برای جامعه جهانی و جهانی‌شدن فرهنگ است. با این توضیح که رشد فزاینده فناوری وسایل ارتباط جمعی، اینترنت و ماهواره موجب فشردگی زمان و مکان و نزدیکی فرهنگی کشورها شده و از این طریق یک فرهنگ مسلط در سطح جهانی تشکیل داده‌است (آلبرو، ۱۳۸۱). در این میان برخی به ادغام فرهنگ‌ها و تأسیس فرهنگ واحد جهانی باور دارند، برخی به تکثر فرهنگی. در مواردی گروه‌های با سابقه تاریخی طولانی تا گروه‌های تازه تأسیس، تمایلی به ادغام در فرهنگ مسلط ندارند و چالش‌های جدیدی را به وجود آورده‌اند. برخی نظریه‌پردازان با اشاره به فرایند گسترش، تعمیق و تسریع ارتباطات جهانی در همه‌ی عرصه‌های زندگی انسان امروز، بر پیوند خوردن فرهنگ‌ها به یکدیگر و ظهور هویت‌های عام جهانشمول و شکل‌گیری عناصر فرهنگ جهانی، تأکید داشته و بازتعریف مرزهای ملی متأثر از پدیده‌ی جهانی‌شدن را درخواست دارند (هلد، ۱۹۹۹، ۱۰). برخی در رویکردی متفاوت، جهانی‌شدن را در تقابل تنوع فرهنگی دانسته و بر این باورند که جهانی‌شدن، توان تولید، خلاقیت فرهنگی و توانایی ارتباط انسان عصر حاضر را افزایش داده، اما در عین حال حق انتخاب را از جوامع سلب کرده است. از همین رو مردم سراسر جهان به استثنای معدودی از نخبگان، کنترل خود را بر زندگی، محیط، شغل، اقتصاد، دولت، کشور و نهایتاً کل کره‌ی زمین از دست خواهند داد و فرهنگی عام و جهانشمول بر جامعه‌ی جهانی حکم‌فرما خواهد شد. (کاستلز، ۱۳۸۰: ۹۷-۸۹). برخی از منتقدان جهانی‌شدن نیز استدلال می‌کنند که جهانی‌شدن به تنوع فرهنگ‌ها آسیب می‌رساند با این توضیح که جهانی‌شدن مفاهیم فرهنگی غالب از کشورهای غربی قدرتمند اقتصادی و سیاسی را گسترش می‌دهند و به فرهنگ‌های محلی آسیب می‌رساند (بیسوجیت، ۲۰۱۱، ۱۵۳).

بدینسان برخی جهانی‌شدن را موجب تشدید تکثرگرایی فرهنگی دانسته که در آن گروه‌ها، بر حفظ هویت و بازشناسی فرهنگی خود تأکید دارند. این گروه نظریه‌پردازان، تداوم هویت‌های خاص فرهنگی چون بنیادگرایی، ملی‌گرایی و قومی‌گرایی را شاهدهی بر مدعای خویش می‌گیرند و توضیح می‌دهند که چگونه پیروان فرهنگ‌های خاص، جهانی‌شدن بویژه در حوزه فرهنگ را تهدیدی برای هویت فرهنگی خود قلمداد می‌کنند. در این راستا فرهنگ‌های بومی و خاص، جهت مقابله با جهانی‌شدن فرهنگ، انواع راهبردهای

انزوطلبی و ستیزه‌جویی و رد هرگونه نسبیت فرهنگی و تساهل را پیشه کرده‌اند(پترسون، ۱۹۹۹: ۸۰).

مبحث فرهنگ در اینجا از آن رو حائز اهمیت است که مهمترین تفاوت اقوام و ملل از فرهنگ مایه می‌گیرد نه از ایدئولوژی یا سیاست و یا اقتصاد. بنابراین هرگونه نزاع یا همبستگی در پرتو این مفهوم صورت‌بندی می‌شود. این‌که آیا جهانی‌شدن تنوع فرهنگی را تهدید کرده است؟ و این‌که جهانی‌شدن چه تاثیری بر عرصه فرهنگ داشته؟ و آیا در فرایند جهانی‌شدن هویت‌های خاص فرهنگی در فرهنگ عام جهانی نوظهور تحلیل می‌رود؟ آیا جهانی‌شدن ترجمان سیطره فرهنگ واحد آمریکایی است؟ یا این‌که در فرایند جهانی‌شدن تکثرگرایی فرهنگی تداوم می‌یابد؟ و این‌که آیا جهانی‌شدن موجب انحلال هویت‌های متکثر فرهنگی شده است؟ از جمله سوالات مطرح در این حوزه است.

با این توضیح کتاب «ارتباطات جهان‌وطنی: تنوع فرهنگی در جهان جهانی‌شده» برمبنای این مسائل به تبیین مسئله پرداخته است و با مروری روشمند بر مکاتب نظری متعارض در زمینه نفوذ فرهنگ آمریکایی و طرح دو نظریه امپریالیسم فرهنگی و قطبی‌سازی، اینگونه استدلال می‌کند که بنابر نظریه امپریالیسم، ارتباطات می‌تواند منجر به توسعه جوامع از طریق جذب ارزش‌ها، نگرش‌ها و باورهای غربی شود. همچنین بنابه نظریه قطبی‌شدن، جهانی‌سازی موجب ضدحرکت‌هایی به منظور حفظ ویژگی‌های بومی مخصوص یک جامعه خاص طراحی شده است. اینگلهارت و نوریس نظریه سومی را توضیح می‌دهند که در میانه این دو نوع نگرش افراطی و با رویکردی ترکیبی میان این دو قرار دارد. با این توضیح که فرهنگ‌ها از طریق ارتباطات بین مرزی به موجودیت‌های جدیدی تبدیل می‌شوند آنچنان که ضمن حفظ سنت‌های قدیمی خود، از جوامع دیگر نیز بهره می‌گیرند. به نظر اینگلهارت و نوریس پاسخ به این سوال که آیا یکی از این رویکردها متقاعدکننده‌تر از دیگر رویکردها است یا نه، جوابی فراتر از یک بله یا خیر ساده می‌طلبد. نوریس و اینگلهارت دقت کرده‌اند که از هیچ کدام از رویکردها جانبداری نکنند(موی، ۲۰۱۰). با این توضیح، در ادامه بحث را با معرفی نویسندگان کتاب و معرفی اثر و سپس نقد و ارزیابی شکلی و محتوایی کتاب پی‌گیری می‌کنیم، همچنین ارزیابی ترجمه اثر را نیز از نظر دور نمی‌داریم.

## ۱.۲ معرفی نویسندگان

پپا نوریس مدرس کرسی مک گوایر در سیاست تطبیقی در دانشکده مدیریت جان‌اف کندی دانشگاه هاروارد است. نوریس دارای مدرک لیسانس هنر در سیاست و فلسفه از دانشگاه وارویک و مدرک کارشناسی ارشد و دکترا در سیاست از دانشکده اقتصاد لندن (LSE) است. حوزه تحقیقاتی وی: افکار عمومی و انتخابات، نقش نهادها و فرهنگ‌های دموکراتیک، سیاست‌های جنسیتی و ارتباطات سیاسی است و گستره وسیعی از کشورها در سراسر جهان جامعه آماری او را تشکیل می‌دهد. نوریس یکی از معروفترین دانشمندان علوم سیاسی در جهان بوده که رتبه چهارم در علوم سیاسی توسط Google Scholar را به خود اختصاص داده است، وی بیش از چهل کتاب همراه با مقالات متعدد را در رزومه خود ثبت کرده است.<sup>۲</sup>

رونالد اینگلهارت نویسنده دوم کتاب متولد ۵ سپتامبر ۱۹۳۴، جامعه‌شناس، اندیشمند سیاسی و استاد دانشگاه میشیگان و از مدیران اصلی پیمایش‌هایی با عنوان پیمایش ارزش‌های جهانی است که از سال ۱۹۹۹ تا ۲۰۰۱ انجام شده‌اند. وی نویسنده بیش از ۲۲۵ مقاله علمی است و در دهه هفتاد نظریه جامعه شناختی فرامادی‌گرایی را گسترش داد. علایق پژوهشی وی، سیاست و حکومت تطبیقی، توسعه سیاسی و روان‌شناسی سیاسی است.<sup>۳</sup> نوشته‌های متعدد رونالد اینگلهارت بسیار تأثیرگذار بوده است و به زبانهای مختلف ترجمه و انتشار یافته است.

## ۲.۲ معرفی کتاب

کتاب در دو بخش شامل پیشگفتار، یازده فصل و نتیجه‌گیری تنظیم شده است. در بخش قدردانی، نویسندگان کتاب و رای معرفی همکاران، ذکر تک به تک اسامی موسسات حمایت‌کننده مالی از پروژه، معرفی پیشینه پژوهش‌ها در این حوزه، معرفی پایگاه داده‌ها و منابع اطلاعاتی و وبسایت‌های این حوزه، حائز اهمیت است بویژه این که به عنوان اجزای انجام یک پروژه موفق در سطح جهان نمایی مناسبی را در اختیار خواننده قرار می‌دهد (صص ۷-۹). در ادامه مترجمان بطور خلاصه نمایی کلی از کتاب را در پیشگفتار ترسیم می‌کنند. در فصل اول کتاب نویسندگان با تمرکز بر نقش رسانه و ارتباطات، این مسئله را مورد پرسش قرار می‌دهند که آیا تنوع فرهنگی بر اساس ارتباطات جهان‌وطنانه مورد تهدید

قرار گرفته است؟ در این راستا تاثیر ارتباطات جهان وطن بر مخاطبان، اثرات همگرایی فرهنگی، نظریه‌های مربوط به اثر ارتباطات جهانی قطبی شدن فرهنگی و تفاسیر مهم ظاهر شده در این زمینه را به بحث و بررسی می‌گذارند (صص ۳۳-۱۳).

در فصل دوم نویسندگان با طرح و تدقیق سوالات پژوهش از جمله بیان این که تحت تاثیر چه شرایطی پیامدهای ارتباطات جهان‌وطنی، جنبه‌های سنتی فرهنگ‌های ملی متمایز را نابود می‌کند؟ آیا ارتباطات جهان‌وطنی جذب ارزشهای مدرن در جوامع سنتی را سرعت می‌بخشد؟ یا این که ارتباطات جهان‌وطن باعث ایجاد واکنشی شدید در میان کسانی می‌گردد که احساس می‌کنند بواسطه این فرایند مورد تهدید واقع شده‌اند؟ آیا ارتباطات جهان‌وطن باعث شکل‌گیری یک فرهنگ ترکیبی می‌شود که اجزای آن از جوامع و مکانهای متفاوت به عاریه گرفته شده است؟ آیا نگرشها و ارزشهای عمیق و ریشه‌دار در برابر جریانهای ارتباطات جمعی نسبتاً مقاوم باقی می‌مانند؟ نویسندگان با اشاره به این که چنین سوالاتی شایسته مذاق‌های منظم و حساب شده است، به طرح چارچوب نظری کتاب با عنوان نظریه دیوار آتش می‌پردازند و گزاره‌های تجربی آزمون پذیر استخراج شده از نظریه مذکور را شناسایی کرده، سپس طرح تحقیق این کتاب را توضیح داده و منابع داده‌های مورد استفاده را شرح می‌دهند (صص ۸۷-۳۵).

نویسندگان در فصل سوم به بررسی بازار بین‌المللی محصولات و خدمات فرهنگی از جمله حجم و جهت واردات و صادرات کشورها و نیز روند آن در طول زمان می‌پردازند. باین توضیح که تبادل فرهنگی در میان کشورهای مرکز که عمدتاً دارای شبکه‌های ارتباطی غنی و متراکمی هستند، گسترده‌تر است. در مقابل، کشورهای پیرامونی که شبکه‌های ارتباطی غنی و متراکمی ندارند عمدتاً در جنوب جهان متمرکز شده‌اند. شواهد موجود در این فصل حاکی از سهم برجسته آمریکا در بازار بین‌المللی تجارت فرهنگی و رشد این سهم طی سال‌های اخیر دارد. همچنین این فصل محدودیت‌های ادغام تجاری کشورهای فقیر را نیز نشان می‌دهد (صص ۹۱-۱۱۵).

نوریس و اینگلهارت در فصل چهارم نشان می‌دهند که فقر و عدم توسعه اقتصادی، همچنان موانع عمده دسترسی به رسانه‌های جمعی هستند. نویسندگان این اثر با ارجاع به آمارهای جمع‌آوری شده توسط یونسکو، اتحادیه بین‌المللی مخابرات و سازمانهای مرتبط، تلاش کرده تا الگوهای دسترس در سراسر جهان را با یکدیگر مقایسه کنند. برای این منظور استفاده منظم از روزنامه، مجلات، تلویزیون، رادیو و اینترنت یا ایمیل در جوامع بررسی

می‌شود. با این توضیح که کشورهای پسا صنعتی برجسته مانند امریکا، سوئد، آلمان و ژاپن که دارای دسترسی گسترده به تمام انواع رسانه‌ها هستند، برخی از کشورهای نیز دارای درآمد متوسط و اقتصادهای نوظهور مانند برزیل، هند و چین که در آنها دسترسی همگانی به تمام اشکال ارتباطات الکترونیک و چاپی به سرعت در حال رشد است و برخی از توسعه نیافته‌ترین کشورها مانند بورکینافاسو، رواندا، و اتیوپی دارای حداقل دسترسی به رسانه‌های خبری هستند. در درون هر یک از این کشورها در میان بخش‌های مختلف، تفاوت‌های قابل توجهی در استفاده از اخبار وجود دارد. فناوری‌های اطلاعات و ارتباطات در میان خانواده‌های مرفه‌تر در کشورهای دارای درآمد بالاتر و متوسط به طور وسیعی گسترش یافته است (صص ۱۵۷-۱۱۷).

فصل پنجم به مقایسه و طبقه‌بندی کشورهای جهان با استفاده از شاخص جهان وطن‌گرایی اختصاص یافته که مبتنی بر شناسایی موانع داخلی و خارجی جریان آزاد اطلاعات است. جهان‌ترین کشورها مانند دانمارک، استونی و سوئیس دارای ویژگی‌هایی مانند دسترسی همگانی گسترده به منابع و کانال‌های رسانه‌ای متعدد، موانع تجاری محدود برای واردات فرهنگی و محدودیتهای اندک در مورد استقلال روزنامه نگاران و صاحبان شبکه‌های رادیو-تلویزیونی است. این کشورها در خط مقدم فرایند جهانی شدن قرار دارند و با بسیاری از دیگر کشورها از طریق شبکه‌های قوی ارتباطی، اقتصادی و سیاسی یکپارچه هستند. نویسندگان کشورها را بر طبق شاخص جهان وطن‌گرایی مقایسه و طبقه‌بندی کرده و با مطالعات موردی، این تیپولوژی را نشان می‌دهیم (صص ۱۹۰-۱۵۹).

بخش دوم کتاب به آزمون نظریه دیوار آتش می‌پردازد. این نظریه پیش‌بینی می‌کند استفاده فردی از رسانه‌های خبری بر ارزشهای فردی تأثیر مستقیم دارد. این مطالعه به آزمون اثر فراگیری در معرض رسانه‌های جمعی بر قوت هویت ملی و تمایلات جهان‌وطنانه، ارزشها و نگرش‌ها نسبت به بازار و دولت، جهت‌گیری‌ها نسبت به دین، برابری جنسیتی و معیارهای سنتی اخلاق: نگرش نسبت به دموکراسی، ارزشهای ابزار وجود و حقوق بشر می‌پردازد.

فصل ششم با بررسی این موضوع آغاز شده است که آیا کسانی که بیشتر در معرض اطلاعات و اخبار قرار می‌گیرند نسبت به دیگران، دارای تمایلات ملی‌گرایانه کمتر و تمایلات جهان‌وطنانه بیشتری هستند و اینکه این‌گو در جوامع باز و بسته چگونه است. این فصل به بررسی دو این موضع می‌پردازد: تأثیر کاربری منظم رسانه‌های خبری بر میزان

قوت هویت ملی یا حمایت از سازمانهای حکمرانی جهانی. مفسرانی مانند گیدنز استدلال کرده‌اند که جهانی شدن به پایان دولت ملی منجر می‌شود. قرارگیری منظم در معرض اطلاعات بیشتر در مورد سایر جوامع و جهان از طریق رسانه‌های خبری، به این فرایند کمک می‌کند. در مقابل منتقدان، تردید دارند ملی گرایی در میان عموم مردم حتی در اتحادیه اروپا شدیداً تضعیف شده باشد و یا اینکه هویت جهان‌وطنانه نوظهور آنقدر قوی است که بتواند جایگزین جاذبه‌های قبیله‌ای، محلی ملی گرایی شود. برای مثال به نظر آنتونی اسمیت ما شاهد رشد گروه‌های منطقه‌ای هستیم که در آن دولتهای ملی به عنوان کنشگران اصلی باقی می‌مانند و نه یک نظم نوین جهانی که فراتر از دولتها رود (صص ۲۲۱-۱۹۳).

فصل هفتم نوریس و اینگلهارت تاثیر رسانه‌های خبری بر نگرش نسبت به بازار آزاد و نقش دخالت دولت در مدیریت اقتصاد را مورد بررسی قرار داده‌اند. این موضوع بویژه برای دولتهای کمونیستی سابق و کشورهای امریکای لاتین که سیاستهای اجماع واشنگتن، مقرارت‌زدایی و خصوصی‌سازی بخش دولتی، آزادسازی تجارت و کاهش نقش دولت را دنبال می‌کنند مهم است. انتظاری رود ارتباطات جمعی، بویژه از طریق تبلیغات و ارزشهای منتقل شده توسط برنامه‌های سرگرم‌کننده عامه پسند با تاکید بر مصرف‌انبوه، فردگرایی و حمایت از لیبرالیسم اقتصادی را تقویت کند. تحقیقات مختلف به بررسی عوامل موثر بر حمایت همگانی از تجارت آزاد و ادغام اقتصادی پرداخته‌اند (صص ۲۴۴-۲۲۳).

نویسندگان در فصل هشتم جهت‌گیری کاربران رسانه‌ها نسبت به ارزشهای اخلاقی سنتی و دین را مورد پرسش قرار داده‌اند. بر اساس نتایج شکاف پایداری میان جوامع پساصنعتی و جوامع درحال توسعه در زمینه ارزشهای اخلاقی سنتی، نگرش نسبت به ازدواج و طلاق، مدارا نسبت به همجنس‌گرایی و حمایت از برابری جنسی زنان و مردان وجود دارد. همچنین نتایج بر تفاوت قابل ملاحظه کشورهای فقیر و ثروتمند در خصوص الگوهای ارزشی و رفتارهای دینی دلالت دارد. در ادامه نویسندگان تاثیر ارتباطات جمعی بر این فرایندها را مورد پرسش قرار داده و شواهد را در دو بخش دسته بندی می‌کنند؛ نخست استدلال می‌کنند که برنامه‌های سرگرم‌کننده عامه‌پسند یا اطلاعات خبری منعکس کننده ارزشهای غربی، هنگامی که به فرهنگ‌های سنتی وارد می‌شوند موجب تغییر ارزشها برای مثال از طریق تشویق مدارای بیشتر نسبت به آزادی جنسی و رفتار سکولارتر - می‌شود. در مقابل بر مبنای تز قطبی شدن، استدلال می‌کنند برنامه‌های سرگرم‌کننده عامه‌پسند



غربی در کشورهای در حال توسعه بویژه دولتهای بسیار محافظه‌کار عربی، از طریق تاکید بر سکسوالیته آشکار، خشونت، مصرف‌گرایی و... بی‌احترامی به سنتهای تاریخی، آداب و رسوم و مقامات مذهبی، تضعیف اهمیت خانواده، ازدواج و ناموس، منجر به واکنش شدید شده و جنگهای فرهنگی را دامن می‌زند. سخن اینکه فصل هشتم از طریق مقایسه گروه‌های استفاده‌کننده ارتباطات جمعی به بررسی شواهد تجربی این استدلال‌ها می‌پردازد (صص ۲۶۳-۲۴۵).

نویسندگان در فصل نهم به بررسی حمایت از آرمانهای دموکراتیک، ارزشهای ابراز وجودی و حقوق بشری می‌پردازند. نویسندگان با ارجاع به منطق ترحم‌گرایی استدلال می‌کنند که رسانه‌ها از طریق گسترش ایده‌های حقوق بشر و دموکراتیک، جنبش‌های اصلاحی و فعالان حقوق بشر در جوامع بسته و رژیم‌های سابقاً استبدادی را تقویت کرده‌اند. دسترسی به اخبار و اطلاعات بین‌المللی در مورد جوامع دموکراتیک، مکانیسمی بالقوه جهت گسترش مطالبات مربوط به حقوق سیاسی و آزادی‌های مدنی در دیگر کشور بوده است. همزمان ارتباطات جمعی در جایی که رسانه‌های خبری توسط نخبگان قدرتمند حاکم یا مالکیت دولتی رادیو و تلویزیون، سانسور می‌شده و روزنامه‌نگاران از طریق تهدید و ارباب‌کنترل می‌شوند، به عنوان یک مکانیزم تبلیغات و کنترل دولتی بکار گرفته شده است. در اینجا نویسندگان شواهد مربوط به این ادعاها را بررسی کرده و تلاش کرده تا به این پرسش پاسخ دهند که آیا دسترسی یا عدم دسترسی به ارتباطات جمعی در کشورهای تحت حکومت رژیم‌های مختلف مانند روسیه، اوکراین و لهستان، دارای جهت‌گیری‌های سیاسی متفاوتی هستند یا نه؟ (صص ۲۸۸-۲۶۵).

در فصل ده نویسندگان به منظور طبقه‌بندی بیشتر از ۹۰ کشور بر حسب شاخص جهان‌وطن‌گرایی، به بررسی میان‌همگرایی فرهنگ‌ها در طول زمان پرداخته‌اند. پیمایش جهانی ارزشها در پنج موج از اوایل دهه ۱۹۸۰ انجام شده است، با مقایسه نگرش افراد را در طول زمان در جستجوی پاسخ به این سوال هستند که آیا فرهنگ‌های ملی در جهان وطنی‌ترین کشورها در حال همگرایی تدریجی هستند (صص ۳۱۸-۲۹۱). در نهایت در فصل یازدهم نتایج اصلی را خلاصه کرده و پیامدهای تاثیر ارتباطات جمعی بر تنوع فرهنگی و نیز پیامدهای وسیع‌تر آن برای سیاستگذاری فرهنگی را توضیح می‌دهند. به باور آنها حامیان جهانی‌شدن، ارتباطات جمعی را به عنوان یک وسیله بالقوه تقویت‌کننده آگاهی در مورد دیگر کشورها و ارتقاء درک بین‌المللی در سراسر جهان و نیز گسترش اصول و کردارهای

حکمرانی دموکراتیک و حقوق بشر می‌دانند. آنها مدافع سیاستهای بازار آزاد نئولیبرالی هستند و بر به حداکثر رسانیدن جریان آزاد اطلاعات و تجارت در سراسر مرزهای ملی تاکید دارند. این مهم محدودیتهای تجاری را برچیده، موانع تعرفه‌ای را کاهش داده و مقررات مالیات دولتی رسانه‌ها را بی‌مقدار می‌کند. آنها غلبه شرکتهای چندملیتی آمریکایی و غربی در حوزه رسانه‌های صوتی و تصویری را زنگ خطری برای تنوع فرهنگی می‌دانند. آنها مدافع سیاستگذاریهی تجاری فرهنگی حمایتی شامل به کارگیری تعرفه و سهمیه‌بندی جهت تنظیم و محدود کردن واردات خدمات صوتی تصویری و یارانه‌ها برای حفظ صنایع خلاق داخلی و تکثرگرایی فرهنگی هستند. همانگونه که منازعات درون یونسکو نیز نشان می‌دهد، شدیدترین احساسات مربوط به حمایت از تولیدات داخلی در کشورهای در حال توسعه وجود دارد اما این احساسات در کشورهای پسا صنعتی مرفه نیز دیده می‌شود، برای نمونه اتحادیه اروپا میان اعضای موافق با بازارهای رقابتی در اروپا و اعضای که (به رهبری فرانسه) در پی حفظ اقتصاد خلاق اروپا در برابر امریکایی شدن فرهنگ عامه (اروپا) هستند، تقسیم شده است. همچنین میان نظریه‌پردازان علوم اجتماعی در مورد این موضوعات اختلافات اساسی وجود دارد. فصل یازده به این موضوع می‌پردازد که آیا مداخلات طراحی شده جهت حفظ فرهنگهای ملی در برابر نفوذ خارجی مناسب است یا جریان آزاد اطلاعات و حفظ مرزهای باز خط مشی مطلوب تری ارائه می‌کند (صص ۳۴۳-۳۱۹).

### ۳. نقد و بررسی شکلی اثر

#### ۱.۳ ویژگی‌های فنی اثر

کتاب جهانی‌شدن و تنوع فرهنگی<sup>۴</sup> اثر مشترک پپا نوریس و رونالد اینگلهارت، ترجمه عبدالله فاضلی و ساجده علامه، با قطع وزیری و جلد شومیز، توسط انتشارات کویر در سال ۱۳۹۵ در چهارصد صفحه به چاپ رسیده است. صحافی کتاب، خوب بوده و اغلاط چاپی نیز ندارد. صفحه‌آرایی، مناسب و خوب است همچنین کیفیت چاپ نیز مطلوب است و ایراد چاپی ندارد. حروف نگاری کتاب نیز بسیار خوب و مطلوب است. به‌طور کلی اندازه فونت و سایز کلمات و فاصله جملات مناسب و چشم‌نواز است. جلد کتاب با نقشه جهان و طرحی درهم تنیده از مفاهیم مرتبط با جهانی‌شدن در حوزه‌های اقتصادی، اجتماعی، سیاسی، فرهنگی، فناوری و ارتباطات، آذین شده است. مفاهیم یاد شده هر یک وجهی از سوالات و فرضیه‌های مورد آزمون در این کتاب را به نمایش می‌گذارد. درست به همین

شکل طرح نقشه جهان در بالای جلد کتاب، است که کشورهای گوناگون را با رنگ‌های متنوع به نمایش گذاشته است، امری که در ارتباط معنادار با نتیجه کتاب حاضر است، نتیجه‌ای که دال بر تمایز فرهنگ‌ها برغم گسترش روزافزون تاثیرات فزاینده جهانی شدن است.

### ۲.۳ قواعد عمومی نگارش و ویرایش تخصصی اثر

در متن برخی از واژگان اضافی بوده و حذف آنها نه تنها آسیبی به متن نمی‌رساند بلکه متن را ساده و روان‌تر نیز می‌سازد. به عنوان نمونه؛ «کمبود منابع برای دسترسی به ارتباطات جمعی» و یا «موانع خارجی برای ادغام در بازارهای فرهنگی» (ص ۱۱)؛ واژه برای، در هر دو جمله الزامی برای طرح در جمله ندارد. در برخی موارد جملات ترکیبی بوده و جمله برغم این که ادامه دارد نقطه گذاشته شده و جمله بعدی با کلمات ربط اما و بلکه (ص ۱۵ سطر ۳ و ۲۵، ص ۱۶ سطر ۱۶)، کلمه «در عوض» (ص ۱۴۵) آغاز شده است. در این جا بهتر است تا نقطه پایان جملات برداشته شده و واژگان ربط پیوند دهنده دو جمله باشند. مورد دیگر شروع جمله با واو است (ص ۲۳۱ سطر ۱۷).

### ۳.۳ روان بودن و رسایی کتاب

جملات کوتاه در ترجمه، مزیت اصلی ترجمه این کتاب است امری که فهم آسان‌تر متن را موجب شده است. با این حال همان‌گونه که از عنوان کتاب پیداست بسیاری از مفاهیم متن، وجهی فرهنگی دارد از این رو موارد بسیاری در متن مفاهیم استخدام شده مفاهیمی فرهنگی بوده که ترجمه واژگانی آنها کمتر کمکی به خواننده برای فهم آن مفهوم می‌کند. با اذعان بر این که در غالب موارد معادل مناسبی برای ترجمه نمی‌توان انتظار داشت، لاجرم بیان توضیحاتی در این خصوص بصورت پاورقی برای فهم اصطلاحات خاص فرهنگی می‌تواند یاری‌رسان باشد. برای نمونه می‌توان به عباراتی همچون؛ تترایی، دنیای پوش اند بک، لاری کینگ لایو، خانواده سیمپون (ص ۱۳)، غو و کیرا، تیووها، پادکست‌ها (ص ۱۴) اشاره کرد (ص ۱۳)، کنگلومراها (ص ۳۱۹).

### ۴.۳ اغلاط املائی

- فونت عدد پاورقی اشتباه درج شده است (ص ۴۵ سطر ۱۵)
- واژه محتوا، به اشتباه محتوی تایپ شده است (صص ۳۱۹، ۳۳۰).
- وطنانهف به جای وطنانه (ص ۳۲۳)
- عدد زیرنویس جابجا درج شده است: ۵ به جای ۴ (ص ۳۲۰).
- صفحه ۲۲، سطر ۱۴، «(۲۲)» معنایی در متن ندارد.
- فونت متفاوت دو پاراگراف اول و دوم ص ۱۰۱ با فونت متن کتاب.
- شماره جدول ص ۷۷ و ص ۷۸ اشتباه درج شده است (صص ۲-۳).

### ۵.۳ عدم تعریف اصطلاحات

در برخی موارد در ترجمه معادل سازی نشده و اصطلاح انگلیسی بدون ترجمه در متن آورده است. برای نمونه می‌توان به موارد زیر اشاره کرد: اتوکراسی (ص ۱۵)، اثر L. A. (ص ۲۵)، G8 (ص ۴۹)، نیوز کوپوریشن (صص ۲۳ و ۱۰۶)، دای‌هارد (جان سخت) ص ۵۳، دسپرت هاوس و ایوز (زن‌های خانه‌دار ناامید) ص ۵۳.

### ۶.۳ نامفهوم بودن برخی جملات؛

قرارگیری در معرض دیگری، سبب انجام اقداماتی فعال به منظور طرد تهدیدات خارجی می‌گردد (ص ۲۹ سطر ۱۱).  
در صفحه ۱۷ سطر ۴ جمله «این پدیده خواه به واسطه تجارت آزاد...» می‌بایست به معادلی دیگری که به خواه به... اشاره کند، ندارد و جمله ابتر مانده است.  
«بحث اصلی این است که قرارگیری بیشتر در معرض اخبار و صنعت سرگرمی عامه پسند بیگانه وارد شده از شرکتهای چند ملیتی مستقر در ایالات متحده یا دیگر کشورهای غربی قرار گیرند» (ص ۲۵ سطر ۱۰)

«اعضای جماعت پراکنده یهودیان که در بین چند کشور پراکنده شده اند» (ص ۱۹ سطر

## ۴. بررسی ابعاد محتوایی اثر

### ۱.۴ عنوان کتاب در ترجمه

عنوان دقیق کتاب عبارت است از: «ارتباطات جهان‌وطنی: تنوع فرهنگی در جهان جهانی‌شده». این عنوان در کتاب مورد بحث به «جهانی‌شدن و تنوع فرهنگی» ترجمه شده است، تغییر و حذف بخشی از عنوان کتاب (که اساساً عنوان اصلی کتاب است و در کتاب لاتین با فونت بزرگ از زیر عنوان با فونت کوچکتر به طور مشخص تفکیک شده است)، برغم ویژگی شفاف و سادگی‌اش، دقت کافی در انتقال محتوای کتاب را ندارد. تنوع فرهنگی در جهان جهانی‌شده تنها تمایز فرهنگی در سطح ملی و نهایتاً در سطح محلی را به ذهن متبادر می‌سازد حال آنکه ارتباطات جهان‌وطنی برای متن چیزی فراتر از این را منظور دارد، جایی که افراد در پس این امکان ارتباطات، با دنیا و محصولات آن ارتباط برقرار کرده و وجهی جهان‌وطنانه را تجربه می‌کنند.

### ۲.۴ اصول منبع دهی علمی

ارجاعات به طور کلی در متن حذف شده است و تمامی رفرنس‌هایی که در کتاب اصلی بطور دقیق شماره‌گذاری و ارجاع داده شده و به تفکیک فصل به فصل در پایان کتاب آمده است، در متن ترجمه شده، نادیده گرفته شده است. نهایتاً امر منابع بدون هیچ‌گونه ارجاعی در آخر متن قرار گرفته است. علاوه بر این در برخی مواقع نویسندگان کتاب توضیحاتی را در کنار ارجاعات آورده‌اند که در متن ترجمه شده آن توضیحات و پی‌نوشت‌ها که همراه با منابع آورده شده است (برای نمونه صفحه ۳۷۵-۳۷۲ کتاب اصلی)، در متن ترجمه حذف شده است. همچنین در ص ۶۶ و ص ۸۱ به جدول B2 و در ضمیمه B ارجاع داده شده است که در متن ترجمه شده، این ضمیمه وجود ندارد. در ص ۸۱ و ص ۸۵ نیز به پیوست A ارجاع داده شده است که در متن وجود ندارد. در نمونه‌ای دیگر ص ۸۱ متغیرهای مورد استفاده از سازه جهان‌وطنی‌گرایی به پیوست C ارجاع داده شده است که در متن وجود ندارد.

## ۵. ارزیابی ترجمه

در کتاب «فصل نتیجه‌گیری نیز به ارائه پیامدهایی برای سیاست‌گذاری‌های فرهنگی می‌پردازد» (صص ۱۶ سطر ۵) در واقع اصطلاح Implications به پیامدها ترجمه شده است: در اینجا به نظر می‌رسد معادل کاربردها، ترجمه بهتر و متناسب‌تری برای این اصطلاح است. اصطلاح Tech-savvy به «نسل جوان آشنا با تکنولوژی» ترجمه شده است (ص ۴۸ سطر ۱۱). حال آنکه ترجمه مناسب و دقیق‌تر این اصطلاح به صورت خودمانی «خوره تکنولوژی» و در عبارتی رسمی‌تر «متبحر و مسلط» است.

اصطلاح Media-rich به «غنی از رسانه» ترجمه شده (ص ۴۸ سطر ۱۷)، به نظر می‌رسد رسانه‌های متعدد، فارسی مناسب‌تری برای این اصطلاح است.

اصطلاح Expatriate community به «تبعیدی‌های سیاسی» ترجمه شده (ص ۵۰ سطر ۱۸)، به نظر می‌رسد اجتماع تبعیدی‌ها، ترجمه مناسب‌تری برای این اصطلاح است.

اصطلاح Military junta به «شورای نظامی» ترجمه شده است (ص ۵۱ سطر ۴)، در حالی که junta معادل دیکتاتوری است و به نظر می‌رسد دیکتاتوری، ترجمه مناسب‌تری برای این اصطلاح باشد.

«آیا تماشای شبکه‌های دای‌هارد، دسپرت هوس و ابوز و سی ان ان، واقعا فرهنگ فرانسوی را در ... تهدید می‌کند» (ص ۵۳ سطر ۱۶). دای‌هارد (جان سخت) و دسپرت هوس و ابوز (زن‌های خانه‌دار ناامید) نام فیلم و سریال امریکایی هستند و نه شبکه.

اصطلاح Communities of fate به «اجتماعات تقدیر» ترجمه شده (ص ۱۹۵)، و به نظر می‌رسد اجتماعات اعتقادی، ترجمه مناسب‌تری برای این اصطلاح باشد.

اصطلاح The subprime mortgage market به «بازار وام‌های بدون سپرده مسکن» ترجمه شده (ص ۱۹۵)، در حالی که به نظر می‌رسد بازار وام رهنی پرخطر (با ریسک بالا)، ترجمه مناسب‌تری برای این اصطلاح است.

در ترجمه World Summit on the Information Society به «سران دنیا در جامعه جهانی» ترجمه شده (ص ۱۲۶)، در حالی که به نظر می‌رسد اجلاس (یا گردهمایی و نشست) جهانی در مورد جامعه اطلاعاتی، ترجمه مناسب‌تری برای این اصطلاح است.

اصطلاح Landline telephone به «تلفن زمینی» ترجمه شده (ص ۱۳۱)، در حالیکه به نظر می‌رسد تلفن ثابت، ترجمه مناسب‌تری برای این اصطلاح است.

اصطلاح Cell phone به «تلفن سلولی» ترجمه شده است، همچنین Mobile cell phone به «تلفن های سلولی موبایل» ترجمه شده است (ص ۱۳۱) درحالیکه به نظر می رسد تلفن همراه یا موبایل، ترجمه مناسب تری برای این اصطلاح است.

## ۶. نقد و بررسی محتوایی کتاب

نوریس و اینگلهارت در پژوهش شان، رابطه جهانی شدن و تنوع فرهنگی را بررسی کرده و این سوال را مطرح می کنند که آیا تنوع فرهنگی از سوی جهانی شدن مورد تهدید قرار گرفته، و اگر آری تا چه میزان؟ و در ادامه ضرورت محافظت از تنوع ملی در مقابل جهانی شدن ارتباطات، را به بحث گذارده اند. آنها در جستجوی پاسخ به این سوالات، متغیرهای متنوع ارزش های لیبرالی، سکولاریستی و سرمایه داری، نگرش فرهنگی و میزان استفاده از رسانه و در معرض ارتباطات جمعی قرار گرفتن، در سطوح فردی و اجتماعی را شناسایی و بر مبنای آن فرضیه هایی را طرح کرده اند. فرضیه های اصلی بر اساس پنج متغیر؛ نوع کاربر، نوع ارزشها، نوع رسانه، نوع جامعه و نوع تغییر ارزشها در طول زمان، تنظیم شده است. نتایج آزمون این فرضیه ها، در ذیل پنج عنوان دسته بندی شد؛

درخصوص متغیر کاربر فرضیه های زیر تایید گردید؛ تفاوت استفاده از رسانه های خبری در میان بخش های اجتماعی، همچنین استفاده بیشتر افراد با تحصیلات بالاتر و گروه های با درآمد بالاتر و کسانی که به زبان انگلیسی تسلط دارند، از رسانه های خبری، تایید شد (فصل چهارم صص ۱۵۷-۱۵۶). در خصوص ارزش ها؛ تقویت ارزش ها و نگرش های فرهنگی مدرن تر با استفاده افراد از رسانه های خبری، قرارگیری در معرض رسانه های خبری منجر به تقویت جهت گیری های جهان وطنانه و مدارای بیشتر نسبت به سبک های زندگی بیگانه (فصل ششم، صص ۲۲۱-۲۱۹)، تقویت دیدگاه های موافق با سرمایه داری جهانی (فصل هفتم، ص ۲۲۴)، شکل گیری دیدگاه لیبرال تر و سکولارتر نسبت به برابری جنسیتی، سکسوالیته و مذهب (فصل هشتم، صص ۲۶۳-۲۶۰) و نهایتاً تقویت مشارکت مدنی (فصل نهم، صص ۲۸۸-۲۸۷) می شود. در خصوص نوع رسانه مورد استفاده، این نتیجه حاصل شد که اثر ارتباطات جهان وطنانه متفاوت است آنچنان که این تاثیر در میان کاربران همیشگی اینترنت و ایمیل قوی تر و در میان خوانندگان همیشگی روزنامه و اخبار و رادیو و تلویزیون ضعیف تر است. درخصوص نوع جامعه نیز نکته حائز اهمیت این که قرارگیری در معرض رسانه های جمعی در جوامع پیشرفته، در جهان وطنانه ترین جوامع، در جوامعی

که در بازارهای جهانی و شبکه‌های ارتباطی ادغام شده‌اند و نهایتاً در جوامع دارای آزادی رسانه‌ای داخلی، قوی‌ترین اثر را بر ارزشهای فرهنگی دارد. درخصوص متغیر زمان همگرایی فرهنگی طی زمان در جهان وطنی‌ترین جوامع بیشترین میزان را داشته، هرچند بیشترین میزان شباهت را نشان نمی‌دهند (فصل دهم). همچنین محلی‌ترین جوامع معاصر در زمینه ارزشهای فرهنگی خود، بیشترین تفاوت و آگرایی را نشان نداده و با گذشت زمان نیز ارتباطات جهان وطنانه کاهش تفاوت و آگرایی در بین فرهنگ‌های ملی را نشان نداده است (صص ۳۱۸-۳۱۶).

## ۱.۶ محدودیت‌های تحقیق

نورس و اینگلهارت بر ضرورت اطمینان از یافته‌ها به عنوان ملاک اساسی تحقیق تاکید دارند. به علت اتخاذ رویکرد کمی از سویی و ضعف منابع اطلاعاتی و کمبود داده از سوی دیگر، محدودیتهای بسیاری برای پژوهش ایجاد شده است. به عنوان نمونه برای شناسایی عوامل مختلف موثر بر افکار عمومی، تنها یک رویکرد محدود و مشخص با تمرکز بر اثر رسانه‌های خبری اتخاذ گردیده است. حال آنکه بسیاری از عوامل دیگر نیز وجود دارند که بر شکل‌گیری نگرش‌ها و ارزشها موثر باشند. نمونه دیگر اینکه این پژوهش بر تاثیر قرارگیری نسبتاً مداوم در معرض رسانه‌های خبری تمرکز یافته و تحلیل محتوای پیام‌های رسانه‌ای را مورد توجه قرار نداده است. حال آنکه به منظور تبیین جامع مشارکت مدنی، زمینه‌های مختلف نهادی سطح کلان، نقش نظام‌های انتخاباتی و الگوهای رقابت‌حزبی و در سطح متوسط فعالیت‌ها و تراکم سازمانهای جامعه مدنی و انجمن‌های داوطلبانه و نگرش‌های سطح خرد را بایستی بهم پیوند داد.

از آنجایی که پژوهش نورس و اینگلهارت موضوع را در سطحی گسترده و کلان مورد بررسی قرار می‌دهد، لاجرم متغیرهای محدودی را در تحقیق وارد می‌سازد. در واقع برغم شفاف بودن تحقیق و صورت‌بندی صریح روابط بین متغیرها، متغیرهای بسیاری از دایره بحث خارج شده است. حاصل این که پژوهش مذکور به علت محدودیتهای اطلاعاتی مطالعه حاضر کمتر به میزان قرارگیری کاربران رسانه‌های خبری در معرض امور محلی در جامعه خود، وقایع ملی و اخبار بین‌المللی و همچنین میزان توجه افراد به اطلاعات موجود در هر یک از سطوح محلی، ملی و بین‌المللی توجه کرده است (ص ۳۳۰). علاوه بر این



اطلاعات افراد درباره جامعه و جهان، از منابع اطلاعاتی گوناگون کسب می‌شود و تنها از طریق تصاویر و ایده‌های منتقل شده توسط تلویزیون و فیلم یا روزنامه کسب نمی‌شود. نمونه آماری پژوهش نوریس و اینگلهارت دربرگیرنده ۹۵ کشور است. گستردگی نمونه آماری، اتخاذ رویکرد مقایسه‌ای، ضعف منابع اطلاعاتی و کمبود داده، از جمله مهمترین عللی است که موجب شده تا پژوهش حاضر مدلی محدود که البته شفاف و مشخص است را برای آزمون تدوین نماید. این امر موجب حذف برخی عوامل تاثیرگذار در تحلیل الگوهای ارزشهای فرهنگی شده است. برای نمونه پژوهش آنها بر تاثیر ارتباطات جمعی جهان و طنانه برخاسته از رسانه‌های خبری تمرکز کرده و از سایر منابع اطلاعاتی غفلت کرده است. این درحالی است که سایر منابع اطلاعاتی مانند برنامه‌های تلویزیونی، موزیک ویدئوها، فیلم‌های سینمایی، موزه‌ها و فعالیتهای آنلاین متنوع و به سرعت در حال تحول، تاثیر زیادی در این رابطه دارند (ص ۳۲۹). نمونه دیگر این که پژوهش مذکور، اثرات بین سطحی بافت ملی و شواهد سطح فردی مربوط به ارزشها و نگرشها را تحلیل کرده است با این حال تاثیر بالقوه خرده فرهنگ‌های اقلیت‌ها درون کشورها بررسی نشده است. هرچند این ضعف مورد توجه نویسندگان اثر نیز بوده است و با تکیه بر این نقیصه، اذعان داشته که پژوهش‌های بین‌فرهنگی، سری‌های زمانی و مطالعات موردی دقیق‌تر می‌توان به شناسایی کامل‌تر ابعاد ارزش‌های فرهنگی و نگرش‌های اجتماعی موجود در کتاب حاضر کمک کرد (ص ۳۲۸). بنابه این نقصان بوده که نویسندگان اثر حاضر، مطالعات مقایسه‌ای موردی دقیق‌تر در مورد خرده فرهنگ‌های متمایز در درون کشورها همچنین انجام پیمایش طولی به منظور مقایسه اثر استفاده از رسانه و تغییرات ارزشی در میان جمعیت‌های اقلیت و اکثریت ساکن در مرزهای ملی را در تبیین دقیق‌تر مسئله راهگشا و تکمیل‌کننده این شناخت، معرفی می‌کنند (ص ۳۲۹).

## ۲.۶ تحول مفهوم جهانی‌شدن

نوریس و اینگلهارت در شناسایی شاخص رسانه‌ها، بر رسانه‌های قدیمی تمرکز یافته و به اینترنت کمتر اشاره کرده‌اند. این که رسانه را تنها در وجه فیزیکی آن در مد نظر قرار داده‌اند در واقع ساده‌سازی مسئله است. به نظر لوریستین می‌بایست این موضوع را مد نظر قرار دهیم که ویژگی جهانی‌شدن از منظر تولید انواع خاصی از دانش و درک آن، تا حد زیادی به آنچه ما رسانه/ابزار داریم، بستگی دارد. بطور مثال در خصوص قدمت جهانی‌شدن؛ نظریه-

پردازانی وجود دارند که می‌گویند مسیحیت اولین موج جهانی شدن از طریق کلیسا بود. البته آن زمان در مقایسه با امروز جهان کوچک‌تری وجود داشت. اگر تلویزیون را مدنظر قرار دهیم می‌بینیم که تلویزیون به خاطر میزان و نوع متن متفاوتش، روش کاملاً متفاوتی را برای جهانی شدن در مقایسه با مسیحیت به ما ارائه کرد. براین سیاق باید اذعان داشت امروزه اینترنت در حال ایجاد نوع کاملاً متفاوتی از جهانی شدن است که نه از طریق تصاویر مشابه، بلکه از طریق شبکه‌های اجتماعی صورت می‌گیرد. امروزه حتی بچه‌های کوچک به خوبی می‌توانند دنیای کوچک‌شان را از اینترنت ترسیم کرده و در آن زندگی کنند. آنها از نقطه نظر داشتن دوستانی از قاره‌های مختلف، جهانی شده‌اند و نه از نظر اشتراک گذاری ایده‌های مشترکی که مثلاً صد سال پیش رایج بودند. به نظر لوریستین (۲۰۱۱) این اولین و مهمترین موضوع در خصوص فهم تحول دیگرگونه از ماهیت واقعی پدیده جهانی شدن است امری که به نظر وی با در نظر گرفتن انواع رسانه‌ها و انواع دانش‌ها، قابل فهم می‌شود، و در نهایت موجب می‌شود تا جهان‌بینی‌های مشابه، شبکه‌های مشترک و ارتباطاتی از این دست ایجاد شود (لوریستین، ۲۰۱۱: ۲۳).

### ۳.۶ تقلیل‌گرایی و ضعف در تحلیل مقایسه‌ای

به گفته پاتریشا موی (Patricia Moy)، نکته تاثیرگذار در مورد این کتاب، رشته منظم متغیرهای کلیدی است. نوریس و اینگلهارت ضمن اذعان بر نحوه مفهوم‌سازی و عملیاتی‌سازی تاثیر رسانه‌ای توسط دیگر محققان، به چندین پیامد کلیدی چنین مفاهیم رسانه‌ای تاکید می‌کنند: میزانی که شهروندان هویت‌های ملی گرایانه داشته و به دیگران اعتماد می‌کنند، رویکرد آنها در خصوص موفقیت فردی همچنین رویکردهای اقتصادی محافظه‌کارانه، مذهب، جنسیت و خانواده و همچنین سطح مشارکت مدنی شهروندان، حائز اهمیت بسیار است. تحقیق در مورد هر کدام از این معیارها می‌تواند چندین جلد کتاب را به خود اختصاص دهد و نوریس و اینگلهارت به درستی عوامل کلیدی را تفکیک کردند تا بتواند روایتی قابل فهم ارائه دهند. منابع آنها به طور عمده «نظرسنجی‌های ارزش‌های جهانی» (World Values Surveys) بوده اما از دیگر منابعی مانند «خانه آزادی»، «بانک جهانی» و «برنامه توسعه سازمان ملل» هم جهت ارتباط‌دهی شاخص‌ها استفاده کرده‌اند (موی، ۲۰۱۰).

باین حال به نظر موی بررسی سیستماتیک چنین تاثیرات رسانه‌ای که در عمل به تقلیل‌گرایی هم تمایل دارند، امکان استنتاجات فراگیر را غیرممکن می‌سازد. در واقع درست مانند

تمام آثار دیگری که مستلزم مقایسه‌های فراوان مبتنی بر متغیرهای زمان و مکانی است، این کتاب نیز امکان ارائه مقایسه‌های دقیق را نمی‌دهد (موی، ۲۰۱۰). مباحث مطرح در کتاب کشور خاصی را مدنظر نداشته‌اند هرچند نویسندگان در مواردی مثال‌های کاملی را جهت تبیین موضوع از مکان‌های خاصی ارائه کرده‌اند اما ضعف در رویکرد مقایسه‌ای و تحلیل آن بر سر جای خود باقی است.

#### ۴.۶ ضرورت توجه به نوع فعالیت رسانه‌ای

به نظر لوریستین (۲۰۱۱) می‌بایست انواع دیگری از رسانه‌ها را در نظرسنجی‌هایمان مورد نظر قرار دهیم، تا شاخص‌های متفاوتی ایجاد شود: شاخص مصرف پخش، شاخص مصرف مطبوعات و جراید، شاخص مصرف اینترنت، یعنی نه یک شاخص رسانه بلکه سه نوع شاخص متفاوت. علاوه بر اینها انواع نگرش‌های جهانی، هویت، تحمل در برابر فرهنگ‌های دیگر و غیره را نیز باید وارد تحلیل کرد. به باور لوریستین آنچه از تحلیل رگرسیونی به دست می‌آید این است که اولین چیزی که اعتماد را تحت تاثیر قرار می‌دهد استفاده از اینترنت است، البته نه فقط میزان آن، بلکه تنوع استفاده از اینترنت. یعنی چیزی که باید مدنظر قرار گیرد میزان نیست، بلکه خود فعالیت است (لوریستین، ۲۰۱۱: ۲۴). در این راستا گذار از شکل و کمیت به تحلیل محتوا پیشنهادی است که برای تقویت پیمایش و پژوهش‌هایی این چنینی توصیه می‌شود.

#### ۷. نتیجه‌گیری

نوریس و اینگلهارت در کتاب جهانی‌شدن و تنوع فرهنگی در پس پیمایشی گسترده در ۹۵ کشور به این نتیجه می‌رسند که جوامع در سرتاسر جهان، در پرتو گسترش فزاینده ارتباطات جهانشمول، از کانال‌های متنوع، در معرض سیلی از اطلاعات، و رای مرزهای محلی و ملی بوده و تغییرات ناشی از آن را تجربه کرده‌اند. نویسندگان از ارتباطات جهانی، امری فراتر و گسترده‌تر از رسانه‌های فراملی همچون سی‌ان‌ان، الجزیره و رویترز را مدنظر داشته‌امری که نحوه یادگیری و ارتباط با افراد و مکان‌های فراتر از مرزهای دولت ملت را دربرمی‌گیرد. در بررسی تاثیر ارتباطات جهانی‌شدن، چهار نظریه اصلی مورد بحث قرار می‌دهند؛ همگرایی فرهنگ‌های ملی پیرامون ارزش‌های غربی که در شدیدترین وجهش در

قالب امپریالیسم فرهنگی معنا می‌شود، قطبی شدن فرهنگ‌های ملی که مردم می‌توانند در مقابل پیام‌ها و ارزش‌های بیگانه رسانه مقاومت کرده و از پذیرش آن امتناع کنند، تلفیق فرهنگ‌های ملی، و نهایتاً مدل فایروال یا دیوار آتش، که در واقع اثرات مشروط بر این تأثیرات جهانشمول دارد (نظریه مذکور به عنوان نظریه پیشنهادی نویسندگان انتخاب شده و مبنای بحث قرار می‌گیرد). نویسندگان بر پایه مدل فایروال (دیوار آتش)، بر اثرات مشروط کنندگی اشاره دارند که فرهنگ ملی را از تأثیر ارتباطات جهانشمولانه (نسبت به آنچه که پیشتر تصور می‌شد)، عایق‌بندی کرده است. بر مبنای نظریه دیوار آتش این مهم توضیح داده می‌شود که هویت‌ها، ارزش‌ها و شیوه‌های زندگی متمایز جوامع، در برابر اثر رسانه‌های جهانی، بسیار ریشه دارتر و مقاوم‌تر از آنچه هستند که اغلب ادعا می‌شود (ص ۳۳۱).

نویسندگان استدلال می‌کنند که جهانی شدن به‌عنوان یک پدیده چندبعدی (اجتماعی، اقتصادی و سیاسی) عمیقاً بر توده‌های جمعی تأثیر می‌گذارد. با این توضیح که هم جوامع در حال توسعه و هم جوامع غربی از طریق نیروهای وسیع مدرن و البته به شیوه‌ای متمایز، شکل می‌گیرند امری که موجب حفظ فرهنگ ملی متمایزشان نیز می‌شود. در واقع جوامع هر یک مسیرهای خود را دنبال می‌کنند آنچنان که ایالات متحده و انگلستان، سوئد و آلمان، کره جنوبی و ژاپن، یک فرهنگ غربی همگن را به اشتراک نمی‌گذارند. نویسندگان با تکرار این نکته که بریتانیا، آلمان نیست، سوئد، اسپانیا نیست و کانادا، ایالات متحده نیست، مخاطبان خود را به توجه مردم جهان برای به اشتراک گذاشتن آیکون‌های فرهنگی خاص - شان ارجاع می‌دهند. سخن این که مواهب معاصر از جمله افزایش میزان اطلاعات و شناخت درباره افراد و اماکن، به معنای از دست دادن میراث فرهنگی آنها نیست.

در ارزیابی کتاب نوریس و اینگلهارت، چندین چالش و محدودیت قابل طرح است - چه به لحاظ روشی و چه دامنه شمول و دربرگیرندگی و توضیح دهندگی مسئله (به لحاظ متغیرهای بکارگرفته شده) - که از جمله مهمترین آنها ضعف منابع اطلاعاتی و کمبود داده در خصوص متغیرهای مربوط به نگرش‌ها و ارزش‌ها است. همچنین نوریس و اینگلهارت بر متغیر در معرض رسانه‌های خبری قرار گرفتن را لحاظ کرده اما از تحلیل محتوای پیام‌های رسانه‌ای غفلت کرده‌اند. نویسندگان، مطالعه اثرات بین سطح ملی و شواهد سطح فردی مربوط به ارزش‌ها و نگرش‌ها را تحلیل کرده، با این حال تأثیر بالقوه خرده فرهنگ‌های اقلیتهای قومی، زبانی یا مذهبی درون کشورها را از بررسی خود حذف کرده‌اند.

درخصوص تلقی جهانی‌شدن به‌عنوان یک حرکت مستمر نیز باید بیان داشت که اکنون اینترنت در حال ایجاد نوع کاملاً متفاوتی از جهانی‌شدن است. جهانی‌شدن از طریق شبکه‌های اجتماعی صورت می‌گیرد امری که شکل دیگرگونه‌ای از جهانی‌شدن را تصویر می‌سازد. نهایتاً این که این نقد به اثر نوریس و اینگلهارت وارد است که درست مانند تمام آثار دیگری که مستلزم مقایسه‌های فراوان مبتنی بر متغیرهای زمان و مکانی است، این کتاب نیز امکان ارائه مقایسه‌های دقیق را نمی‌دهد. بویژه این که مردم هنوز هم در مکانها زندگی می‌کنند و ترسیم فضای جریانهای شبکه‌ای درهم تنیده محصول جهانی‌شدن، بیش از هر چیز چشم اندازی غیرتاریخی است. از نقطه نظر دیگر تاکید بر دوگانه جهانشمول بودن در برابر ملی‌گرایی، کمتر امکانی برای سایر گزینه‌های بدیل فراهم ساخته است. در این راستا تمایز منطقه‌ای جهانی و تقسیم فرهنگ جهانی به سیاق سه منطقه‌ی اقتصاد اصلی؛ آمریکای شمالی، اتحادیه‌ی اروپا و منطقه‌ی آسیا-اقیانوس آرام از جمله این گزینه‌ها است (کاستلز، ۱۳۸۰، ۱۳۳). با این وصف رقابت فزاینده بین این سه منطقه فهم دقیق‌تری از وضعیت جهانی‌شدن در سایر حوزه‌ها از جمله حوزه فرهنگ را فراهم می‌آورد.

درخصوص ترجمه کتاب نیز باید بیان داشت که مفاهیم و اصطلاحات فرهنگی نیاز به توضیح دارد علاوه براین ترجمه لغت به لغت که آفت ترجمه شده و در مواردی موجب شده تا مترجمین محترم از معادل‌سازی مناسب و متناسب بازمانند در واقع متن نیاز به تدقیق دوباره ترجمه بویژه در بخش‌هایی که نامفهوم و غریب می‌آید، دارد. با این اوصاف اهم موارد پیشنهادی عبارتند از؛ ارائه توضیحاتی در خصوص مفاهیم فرهنگی غیرقابل ترجمه که برای خواننده کتاب نامفهوم است که می‌توان مطالبی را برای توضیح و تشریح آن در زیرنویس آورد؛ در مواردی که ترجمه لغت به لغت شده و اصطلاح نامفهوم شده بایستی تدقیق شده و ترجمه و معادل فارسی آن آورده شود و آخرین مسئله مربوط به مواردی محدودی است که جملات گنگ و نامفهوم بوده که در متن ذکر آنها رفت و درنهایت لازم است ویراستاری مجدد بر روی آن انجام شود.

## پی‌نوشت‌ها

۱. نتیجه ذکر شده نتایج پژوهش آلتمن و جموات بود که در شاخص ارتباطات جهانی را چهار مولفه مورد بررسی قرار دادند: تجارت (در هر دو کالا و خدمات)، اطلاعات، مردم (از جمله گردشگران، دانشجویان و مهاجران) و سرمایه (آلتمن و جموات، ۲۰۱۴).

۲. از جمله آثار نوریس می‌توان به عناوین زیر اشاره کرد:

- پپا نوریس (۲۰۱۵)، چرا انتخابات شکست خورد نیویورک: مطبوعات دانشگاه کمبریج.
  - پپا نوریس (۲۰۱۴)، چرا یکپارچگی انتخابات اهمیت دارد. نیویورک: مطبوعات دانشگاه کمبریج.
  - پپا نوریس (۲۰۱۲)، کارکرد حکومت دموکراتیک: تاثیر رژیم بر رونق، رفاه و صلح. نیویورک: مطبوعات دانشگاه کمبریج.
  - پپا نوریس، کمبود دموکراتیک: شهروندان بحرانی مجدداً بازدید می‌کنند. نیویورک: مطبوعات دانشگاه کمبریج.
  - پپا نوریس و رونالد اینگلهارت، ارتباطات بین‌المللی: تنوع فرهنگی در جهانی جهانی. نیویورک: مطبوعات دانشگاه کمبریج.
  - پپا نوریس (۲۰۰۸)، دموکراسی راندگی: آیا موسسات مشارکت در قدرت کار می‌کنند؟ نیویورک: مطبوعات دانشگاه کمبریج.
  - پپا نوریس (۲۰۰۵)، حق رای: رای دهندگان و احزاب در بازار انتخاباتی. نیویورک: مطبوعات دانشگاه کمبریج.
  - پپا نوریس و رونالد اینگلهارت (۲۰۰۴)، مقدس و سکولار: سیاست و دین در سراسر جهان. نیویورک: مطبوعات دانشگاه کمبریج.
  - پپا نوریس (۲۰۰۴)، مهندسی انتخابات: قوانین رای‌گیری و رفتار سیاسی. نیویورک: مطبوعات دانشگاه کمبریج.
  - و کتاب حاضر؛ پپا نوریس و رونالد اینگلهارت (۲۰۰۹)، ارتباطات جهان‌وطن: تنوع فرهنگی در یک جهان جهانی شده (نیویورک و کمبریج: انتشارات دانشگاه کمبریج).
۳. از اینگلهارت آثار متعددی منتشر شده است که از آن جمله می‌توان به کتاب‌های زیر اشاره کرد:
- تحول فرهنگی در جامعه پیشرفته صنعتی، (۱۹۹۰)، انتشارات دانشگاه پرینستون، (ترجمه مریم وتر، تهران: کویر، ۱۳۷۳).
  - مقدس و عرفی: دین و سیاست در جهان، (۲۰۰۴)، انتشارات دانشگاه کمبریج، (ترجمه مریم وتر، تهران: کویر، ۱۳۸۶).
  - نوسازی، تغییر فرهنگی و دموکراسی: توالی توسعه انسانی، (۲۰۰۵)، انتشارات دانشگاه کمبریج، (ترجمه یعقوب احمدی، تهران: کویر، ۱۳۸۹)

نقد و بررسی جهانی شدن و تنوع فرهنگی ۱۳۱

- انقلاب آرام، (۱۹۷۷)، انتشارات دانشگاه پرینستون.
  - تغییر ارزش در رهیافت جهانی، (۱۹۹۵)، انتشارات دانشگاه میشیگان، (به همراه پل آبرامسون).
  - مدرنیسم و پست مدرنیسم، (۱۹۹۷)، انتشارات دانشگاه پرینستون.
  - مدرنیسم، تغییر فرهنگی و مقاومت ارزشهای سنتی، (۲۰۰۰)، مجله جامعه شناسی امریکا.
  - موج: برابری جنسیتی و تغییر فرهنگی در سراسر جهان، (۲۰۰۳)، انتشارات دانشگاه کمبریج.
  - عقاید انسانی و ارزشها: مرجع بین فرهنگی بر اساس پیمایشهای ارزشهای ۲۰۰۲-۱۹۹۹، (۲۰۰۴).
۴. نوریس، پپیا و اینگلهارت، رونالد (۱۳۹۵)، جهانی شدن و تنوع فرهنگی، عبدالله فاضلی، ساجده علامه، تهران: انتشارات کویر.

## کتابنامه

- البرو، مارتین (۱۳۸۱)، «عصر جهانی، جامعه‌شناسی پدیده جهانی شدن»، ترجمه نادر سالارزاده احمدی، تهران: نشر آزاد اندیشان.
- کاستلز، مانوئل (۱۳۸۰)، عصر اطلاعات؛ اقتصاد جامعه و فرهنگ (جلد ۲): قدرت و هویت، حسن چاوشیان، تهران: طرح نو.
- نوریس، پپیا و اینگلهارت، رونالد (۱۳۹۵)، جهانی شدن و تنوع فرهنگی، عبدالله فاضلی، ساجده علامه، تهران: انتشارات کویر.

"World Stats". Internet World Stats. Minimarts Marketing Group. ۳۰ June ۲۰۱۲. Access from: <https://www.internetworldstats.com/stats.htm>

Faiola, Anthony. (۲۰۰۹). "A Global Retreat As Economies Dry Up." The Washington Post, ۵ March ۲۰۰۹. Access from: <https://www.washingtonpost.com/wp-dyn/content/article/2009/03/04/AR2009030404221.html>

Pankaj Ghemawat and Steven A. Altman, 2014, "Signs of life". The Economist. ۱۵ November, Access from: <https://www.washingtonpost.com/wp-dyn/content/article/2009/03/04/AR2009030404221.html>

- Wolf, Martin (۲۰۰۱). "Will the nation-state survive globalization?". Foreign Affairs. Access from <https://www.foreignaffairs.com/articles/2001-01-01/will-nation-state-survive-globalization>.
- Ghosh, Biswajit (۲۰۱۱) "Cultural Changes and Challenges in the Era of Globalization." Journal of Developing Societies, SAGE Publications, ۲۷(۲): ۱۵۳-۷۵.
- Marju Lauristin, Mari Kodres, September 2011, XVI Open Society forum, Cosmopolitan Communications: Cultural Diversity in a Globalized World, Tallinn: Open Estonia Foundation.
- Patricia Moy, Book Review: Cosmopolitan Communications: Cultural Diversity in a Globalized World, *Political Science Quarterly*, Volume 125, Number 3, Fall 2010.
- Peterson R., D. Wunder and H. Mueller, Social Problems (New Jersey: Prentice Hall, 1999).
- Held David, McGreW Anthony, Globaltt David and Perraton Jonathan, Global Trnsformation: Politics, Economics and Culture (Stanford, California: Stanford University Press, 1999).

